



ایران

مهمترین رویدادهای کشور ما در هفته گذشته عبارت بود از: درجبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران - مرحله تازه ورود نیروهای مسلح ایران بخاک عراق، در جبهه نبرد ضدامپریالیستی - برگزاری روز قدس و شرکت وسیع مردم در تظاهرات ضدامریکائی و ضدصهیونیستی، در جبهه حیات سیاسی داخلی - بالا گرفتن رودرروئی میان پیروان خط امام با افراد و گروه‌هایی نظیر وابستگان به "انجمن حجیه"، بویژه جناح ارتجاعی و امریکائی آن، و همچنین قشرون انحصارطلب و خودمحورین، که با حاکمیت خط امام مخالفند و در ارتباط با آن، طرح باز هم حادثتر مسئله فعالیت قانونی احزاب سیاسی، تحلیل جمیع این رویدادها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساس‌ترین لحظات زندگی خود، با دشواریها و توطئه‌ها و دام‌های گوناگون خارجی و داخلی روبروست و همه...

انقلابیون راستین و همه پیروان واقعی و پشیمانان صدیق خط امام میکوشند و وظیفه دارند، که با این دشواریها مقابله کنند. از جمهوری اسلامی ایران، و از صلابت و قدرت خط ضدامپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی امام خمینی و از صحت و کارائی سیاست جمهوری با تمام قدرت و توان خود دفاع کنند و با هشیاری علیه همه توطئه‌های داخلی و خارجی بایستند. واقیبات نشان می‌دهد که حمایت مردمی بیکران از انقلاب و اهداف آن، آنچنان پشتوانه و سرمایه‌ایست که با تکیه بر آن و با درایت و هشیاری می‌توان بر همه توطئه‌ها پیروز شد، دشمنان را شکست داد و دام‌ها را بی‌اثر کرد. می‌توان و باید به نیروی تاریخساز و پربرکت توده زحمتکش انقلابی و به تجربه‌اندوزی و هشیاری مسئولان آگاه و خط امامی امید داشت.

در جبهه‌های جنگ

مرحله تازه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انقلابی، که همه میدانند صدام آنرا طبق منافع و با تحریک آمریکا آغاز کرد، پیش آمده است. و این در حالیست که همه می‌دانند که امریکائی جنایتکار، درست مانند همکار خود صدام، بپرق صلح و خانه جنگ و عدم شرکت در درگیری را بلند می‌کند، ولی عملاً بند بند منافعی در گروی ادامه جنگ است. در ورای پرده دودی که امریکائی ایجاد کرده، هدف اصلی‌اش تحمیل یک جنگ فرسایشی طولانی است. همین چندی پیش بود که حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی بدرستی گفت:

"تحلیل من اینست که تا جنگ باشد، به نفع امریکاست. امریکائی از جنگ هم در جهت تضعیف امکانات دو کشور، بلکه چند کشور که با امکاناتشان از عراق حمایت می‌کنند، استفاده می‌کند و هم از این جنگ در جهت بغروش رساندن اسلحه و مهمات استفاده میکند و هم نیازمند می‌کند کشورهای منطقه را به کشورهای استعماری." (از مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹/۱/۶۱) اکنون بوضوح دیده می‌شود که ضمن تثبیت برای ادامه تشنج و زمینه‌سازی برای بسط درگیری، امریکائی می‌کوشد از نظر نظامی و اقتصادی ایران انقلابی کنونی و عراقی را که می‌تواند در آینده حکومتی مردمی داشته باشد و در صف دول ضدامپریالیست قرار گیرد، تضعیف کند و جلو امکانات میهن انقلابی ما را برای برداختن به مسائل بنیادی تکامل جامعه و طرد وابستگی بگیرد. هدف‌نهایی امریکائی از بسط درگیری و تضعیف ایران انقلابی و فرسایش قدرت آن، زمینه‌سازی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران است. در چنین شرایطی حداکثر هشیاری و سنجیدن همه جوانب امر و احتراز از دام‌های گوناگون امریکائی ضرورت حیاتی دارد. بحق روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله ۲۳ تیر خود نوشت:

بلمحافظه آنکه دشمن همواره در صدد جبران شکستهای خود بوده است، بایستی راه آینده با دوراندیشی و تدبیر و دقت بیشتری ادامه یابد و برای حوادث آینده پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهیم. این امر بدون برآورد نیروها و همچنین بررسی نیازها و امتیازها امکان‌پذیر نیست. این ارزیابی درست هم برای مسئله لبنان و قدس و هم در مسئله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دام‌های امریکائی صدق می‌کند. امریکائی جنایتکار به دروغ ادعای صلح‌خواهی می‌کند، به همانگونه که صدام به دروغ مدعی آتش‌بس است. هم‌اکنون دشمن به جبران ضعف در جبهه، علیرغم همه ادعاهای اخیرش، جنایات قبلی خود در بمباران شهرها و مناطق مسکونی را تشدید کرده است. دول ارتجاعی عرب بیشتر زیر "چتر حمایتی" امریکائی گرد آمده‌اند و امریکائی نیز اعلام کرده است که از دوستان خود حمایت خواهد کرد و امنیت آنها را تضمین خواهد نمود. دولت امریکائی پیشنهاد کرده است که "مانور مشترک نظامی با عربستان سعودی و دیگر کشورها" ترتیب داده شود. از پاکستان و ترکیه خبر از تدارکات تازه و نقل و انتقال نیرو می‌رسد. ناوهای جنگی امریکائی مسلح به سلاح هسته‌ای در خلیج فارس در گشت و گذارند. شهبان بزرگ از یک سو پایگاه‌های جدید نظامی خود را در منطقه به جنب و جوش آورده و نیروهای واکنش سریع را آماده می‌کند و از سوی دیگر اعلام می‌کند که "قادر به مهار کردن ایران نیست". بازار دیپلماسی و تبلیغات برای ارباب دول منطقه و تشدید وخامت و تشنج در اطراف خلیج فارس و تحریک دولت‌ها علیه ایران باز هم داغتر شده است. گروه‌های آبرو باخته ضدانقلابی، چه فراری و چه در درون کشور، با ولغ در این پندارند که از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و طولانی شدن جنگ را محیط مناسبی برای خود فرض می‌کنند. تهدید به نابود کردن مراکز مهم اقتصادی و نفتی ما و تهدید به کوبیدن مناطق مسکونی غیرنظامی ما بتدریج به فعل در می‌آید، تا جایی که نخست وزیر آقای موسوی هشدار میدهد که از این جانبان

"حتی می‌توان منتظر فاجعه‌های بزرگتری هم باشیم". این جانبان و از جمله "واین‌برگز" وزیر دفاع امریکائی و "برد" لیدر اکثریت جمهوری خواه در سنای امریکائی اعلام کرده‌اند که با دولت‌هایی نظیر عربستان سعودی وارد مذاکره شده‌اند، تا همکاری‌های عملی امریکائی و کشورهای مرتجع منطقه را علیه ایران سازمان دهند. واحد مرکزی خبر از واشنگتن گزارش داده است که کاخ سفید با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که امریکائی در جنگ ایران و عراق حاضر است به کشورهای که در منطقه، که خود را در معرض خطر می‌بینند، کمک نماید. امریکائی حاضر است تصمیماتی برای حفظ امنیت آنها انجام دهد! رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکائی هم گفت که امریکائی باید به کشورهای خلیج (فارس) اسلحه بفروشد و اجازه دهد که این کشورها سلاح‌هایشان را تحویل عراق بدهند. همه اینها نشانه‌هایی از عمق توطئه و گستردگی دامیست که امریکائی در صورت ادامه جنگ و با استفاده از آن، تدارک دیده است. در برابر این تدارکات و دام‌گسترها، اصل عبارتست از نجات و تحکیم انقلاب ایران از خطر توطئه‌ها و بند دام‌ها و تثبیت جمهوری اسلامی ایران و نیل بسوی اهداف بزرگی که انقلاب پیش روی داشته است و دارد. همه رفقا باید به این وضع بفرج توجه دقیق داشته باشند. با برخورد یک بعدی و سطحی، با جستجوی پاسخ مطلق مثبت یا منفی، نمی‌توان تمامی بفرنجی و پیچیدگی وضعی را، که توطئه‌های گوناگون امپریالیسم پیرامون ایران بوجود آورده است، توضیح داد. درست بخاطر همین وضع است که حداکثر درایت و هشیاری، در برابر انواع دام‌ها و گندهای امریکائی توجه به همه جوانب و پیامدهای سیاسی که اتخاذ می‌شود، ضرورت دارد، تا بتوان هرچه سریعتر و کابستر جمهوری اسلامی ایران را تحکیم کرد و با پشتیبانی از خط امام، انقلاب را به پیش برد. این همان نکته اساسی است که در آخرین پرسش و پاسخهای رفیق کیانوری، مورخ ۱۲ تیر و ۲۶ تیر، به تفصیل توضیح داده شده است و وظیفه تک تک رفقا است که دقیقاً به آن توجه نمایند و در بحث‌ها و روشنگری‌های خود، آن مطالب را ترویج کنند.

● برگزاری روز قدس

جمعه گذشته، آخرین جمعه ماه رمضان بود و سه سال است که به فرمان امام خمینی، رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، این روز بمنابه "روز قدس" روز هبستگی پیکارجویانه علیه صهیونیسم و حامی آن امپریالیسم امریکائی، روز مبارزه در راه آزادی خلق فلسطین از سلطه جابرانه و جنایت‌بار صهیونیسم و امپریالیسم برگزار می‌شود. در مراسم روز قدس اسامی توده‌های میلیونی مردم زحمتکش به ندای رهبر انقلاب پاسخ دادند و در همه شهرها و روستاها تظاهرات و راه‌پیمایی‌هایی انجام گرفت. حزب توده، ایران که همواره حامی و مدافع نبرد دلیرانه خلق قهرمان فلسطین و پشتیبان صادق و بی‌بگیر خصلت ضدامپریالیستی و مردمی خط امام بوده و با تمام توان خود در این راه کوشیده است، از مدتی قبل اعلام نمود که در این راه‌پیمایی‌ها شرکت

خواهد جست. هفته قبل اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی در این زمینه انتشار یافت که جملاتی از آن در تحلیل هفته قبل ذکر گردید. این امر از ماهیت نبرد راستین ضد امپریالیستی و آزادبخش حزب ما و همبستگی دیرینه حزب ما با آرمان خلق فلسطین برمی خیزد، که در این گونه تظاهرات، همراه تمامی خلق، علیه دشمن شماره یک انقلاب ایران و همه بشریت، یعنی امپریالیسم امریکا و پایگاه منطقه‌ای آن دولت صهیونیستی اسرائیل حاضر باشد.

روز جمعه فریاد "مرگ بر امریکا، مرگ بر اسرائیل غاصب"، آسمان ایران را فرا گرفت. بویژه حمله سیمانه اخیر صهیونیستها به جنوب لبنان و آگاهی بر نقشه نابودی مقاومت فلسطین بیش از همیشه بانگ رسای مردم انقلابی ما را قدرتمند می ساخت. تدارک برگزاری این روز، بدنبال رهنمودهای اولیه امام، در ست درست و تجهیز کننده‌ای پیش رفت. آیت اله منتظری در ملاقات با حجت الاسلام فاضل هرنیدی گفت:

"در آستانه روز جهانی قدس باید افکار عمومی مسلمانان جهان را متوجه خطر امریکا و دست نشاندهانش نمانیم.

البته برخی از جراید در آستانه روز قدس با چاپ کردن مطالبی که هیچگونه مکی به اتحاد همه مسلمین و همه ضد امپریالیستها و همه ضد صهیونیستها نمی‌کرد و با تیتیر کردن جملاتی از متن، که روح کلی و عمده متن را منکس نمی‌کرد، درصدد تحریف و دگرگون ساختن تدارک ضد امریکائی و ضد صهیونیستی روز قدس برآمدند. ولی در مجموع جو غالب، همانگونه که منافع انقلاب و جمهوری اقتضا می کند، جو ضد امریکائی و ضد صهیونیستی بود. قطعا همه مرکزی راه پیمائی، علیه صهیونیسم، علیه رژیم بعثی عراق، علیه رژیمهای مرتجع عربی و در مرکز همه اینها علیه امریکای جنایتکار، این "شیطان بزرگ و جنایات وحشیانه اش"، متوجه بود. امام خمینی در پیام خویش پیرامون "تشریک مساعی بخاطر نبرد با اسرائیل" سخن گفتند و توجه را به "دشمن اصلی و وابستان باو" جلب نمودند. شعارهای رسمی که در تظاهرات بزرگ تهران داده می شد، ضد امریکائی و ضد صهیونیستی بود، بنحوی که قبل از آغاز خطبه‌های نماز جمعه، همگان با مشت‌های گره کرده و با فریاد توفنده "مرگ بر آمریکا"، تمامی آن محوطه عظیم را به لرزه درآوردند.

اما در عین حال، علیرغم این جو غالب، که بطور عمده در روز قدس حاکم بود، برخی گروهکها و افراد و انجمنهای معلوم الحال کوشیدند که اینجا و آنجا، در طی راه پیمائیهها، در شعارهای شفاهی و حتی گاه در شعارهای کتبی روی پارچهها، امریکا را منسی کنند و دشمن اصلی و سگ هار او در منطقه، صهیونیسم حاکم بر اسرائیل را، با طرح شعارهای انحرافی، از انظار مخفی کنند، یا آنها را در پرده برند و غیر عمده کنند. گروهی از افراد وابسته به حجتیه و مائوئیستها، بهر کسی که پوستر "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل" را در دست داشت، حمله کرده، پوسترها را پاره می کردند و ضمنا توهین به حزب توده ایران را چاشنی عمل خود می ساختند. آشکارا دیده می شد که چند دسته ۲۰ نفری از نوجوانان با شعار "مرگ بر شوروی، مرگ بر حزب توده"، موظف بودند که شعار اصلی روز را لووت کنند. مردم می پرسیدند: "مگر هر چه مرگ بر امریکا باشد، مال توده ایهاست؟" یا این پوستر پاره کردنها به تحریک ضد انقلاب

حرکات تحریک آمیزی که گهگاه برخی عناصر موفق به انجام آن شدند، آشکارا در خلاف جهت روح روز قدس و برخلاف گوهر اصلی رهنمود آیت اله منتظری است، که باید "تمام افکار عمومی مسلمانان جهان را متوجه خطر امریکا و دست نشاندهانش نمود". با اینهمه این گروهکها موفق نشدند که جو غالب را دگرگون سازند.

جریان روز قدس بار دیگر نشان می دهد که برخلاف آنچه سر مقاله نویس روزنامه اطلاعات در روز ۲۳ تیر نوشته است "جدی بودن و فوری بودن و حتی بودن خطر امریکا" بهیچوجه تنها یک "بهاهانه درست" نیست، پیراهن عثمانی نیست که "افسانه باقان" علمش کرده باشند، بلکه بواقع و در همه زمینهها خطری است که انقلاب بزرگ ما و جمهوری اسلامی ایران را با انواع توطئه‌ها و کیدها و دامها تهدید می کند. خطر امریکا ابتدا "قصه شب" نیست، بلکه طرح شمارهای انحرافی و فراموش کردن آن خطر حتمی و فوری و جدی است که برای خواب کردن بکار گرفته می شود. هرگونه از دست دادن هشجاری در برابر این خطر واقعی، حتی برای یک لحظه حتی فقط در یک زمینه، خود زمینه ساز موفقیت توطئه‌های براندازی است. بدون شک افراد مشکوک و عناصر نفوذی و یا افراد بی اطلاع و احتمالا صادق، ولی ناآگاه، که علمشان در جهت شکستن آن جو غالب و حیران کردن و سرگشته کردن مردم است، هنگامی جری می شوند و دور برمی دارند و درخت از بیخ برمی آورند، که بعضی از شخصتهای سرشناس حکومتی، بخصوص که اشتهاری هم به خط امامی بودن داشته باشند، سببی از باغ رعیت بخورند.

نخست وزیر در روز قدس، لابد بخاطر حفظ "تعادل" و در بزم از شانناژ برجسب خوردن، در نطق خود، که بطور عمده علیه امریکا و صهیونیسم متوجه بود، متاسفانه طبق روالی که دارد عادت می شود به اتحاد شوروی حمله کرد و گفت که: "مزورانه تر از او جهان اسلام ندیده است!" بدون تردید آقای موسوی نمی خواست تمام دسایس امریکا و قبل از او انگلستان و هم اکنون اسرائیل را، که در شیوه‌های مزورانه بسی استادند تطهیر کند. دلیل آنکه، پس از بازبینی متن، خوشبختانه در هیچیک از روزنامه‌ها این جمله گفته نشده به چاپ نرسید. ولی در چنین شرایطی، وقتی نمایندگان برجسته خط امام چنین می گویند و می نویسند و مصاحبه می کنند، آن عنصر مشکوک یا آن عضو حجتیه شدیدترین سوء استفاده‌ها را می کند. او این را بهترین چراغ سبز برای خود می داند و چهارنعل می تازد. آقای نخست وزیر سخنان خود را با طرح مسئله افغانستان توجیه می کرد. در حالیکه دولت ایران همین اخیراً "همراه همتای لیبیائی ایشان، آقای عبدالسلام جلود، تفاهم نامه‌ای را امضا کرده، که در آن موضع درستی در این زمینه بیان شده بود.

در هفته گذشته مصاحبه‌ای از آقای سعد مجبر رئیس دفتر مردمی لیبی در تهران در روزنامه اطلاعات چاپ شد که وی در آن چنین گفته بود:

"موضع ما در مسئله افغانستان در آن اعلامیه اشاره شده. ما اعتماد به ملت افغانستان داریم که خود اوست که سرنوشتش را تعیین خواهد کرد... ولی جمهوری لیبی روی آهنگ امریکا در این موضوع نمی رقصد. ما هیچ آماده نیستیم که قبول کنیم ابزار امریکا در

در حال جریان روز قدس بار دیگر توان عظیم مردم ما را در مبارزه با نازکرانه و پیگیر علیه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم غاصب نشان داد.

تظاهرات مردم شهر همدان، در این روز دوبار توسط جانبداران بعثی به خون کشیده شد و بیش از یکصد تن از هم میهنان همدانی ما بدنبال مبارزانه‌های صدامی با فریاد "مرگ بر صدام، مرگ بر اسرائیل" مرگ بر امریکا" شهادت رسیدند.

در این رو جمعه، همه نیروهای خط امامی توانستند در مجموع قدرت و آزاده خلل ناپذیر خود را به ادامه راه درست و اساسی ضد امپریالیستی انقلاب به همه جانبداران ارائه کنند.

● افترا و پرونده سازی

"گزارشهای ساختگی ترتیب می دهند که گویا" توده ایها صلح می شوند!" ما رسماً اعلام می داریم که این گونه پرونده سازی‌ها به حزب توده ایران نمی چسبند. حزب ما از همان اولین روز آغاز فعالیت مجدد علنی اش، یکی از شروط پذیرش عضویت افراد را این اصل قرارداد، که اگر در جریان انقلاب دانسته و یا اتفاقی سلاحی بدست آورده‌اند، آن را به مقامات مسئول تحویل دهند. رفقاً! این عبارات برای شما آشناست. جملات است از نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب، مورخ ۲۸ اردیبهشت ۶۱. و اکنون

تقریباً دو ماه پس از انتشار آن، در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۴ تیرماه ۶۱، این عنوان درست را می خوانیم که: "گاندیدای منفرد وابسته به حزب توده با سه اسلحه دستگیر شد!"

هنوز ظنین هشدارها و پیش بینی‌های "نامه سرگشاده" در گوشه‌هاست، که "پرونده سازیها" در عمل چشمها را خیره می کند. و این نمودار آنست که هشدار حزب به مقامات واقعا مسئول کشور، تا چه اندازه بجا بموقع و بمورد بوده و بدرستی خصلت کارزار تحریک آمیزی که علیه حزب ما به راه انداخته‌اند، و شیوه‌های عمل محرکین، تشخیص داده شده است، بویژه که باید قاطعانه تصریح کرد که اصل مسئله از بنیان دروغ بوده و تمامی اتهامات کمترین وجه تشابهی با واقعیت نداشته است. تقریباً کمترین راکه حداقل آشنائی را با سیاست و شیوه عمل حزب ما داشته باشد، می توان پیدا کرد که این خبر دروغ و جعلی را باور کند. ولی ما در اینجا می خواهیم توجه رفقاً را به پرونده سازیها و اقدامات تحریک آمیز جلب کنیم.

قاعدتاً اگر شخصتهای مسئول پیرو خط امام و نهادهای انقلابی پیرو خط امام بموقع در برابر این تحریکات و پرونده سازی‌ها که جزئی از نقشه شیطانی علیه آزادیهای قانونی و سیاسی و در نهایت علیه خود جمهوری اسلامی ایران و زندگی سالم و شایسته سیاسی آنست، موضع نگیرند، می توان منتظر بود که محرکین و انواع گروهکها و انجمنها و افراد مشکوک و نفوذی، انواع این گونه پرونده‌ها را بسازند، تا مگر بتوانند کارزار توده ستیزی را به عنصر اصلی حیات سیاست داخلی کشور بدل کنند.

رفقا! جا دارد که بار دیگر با قدرت هرچه تمامتر افترااتی را که به حزب ما وارد می‌آید، تکذیب کنیم و با قدرت از سیاست اصولی حزب در جهت پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و کوشش برای کشف و افشای توطئه‌های براندازی و درست شوکفانی همه‌جانبه انقلاب دفاع کنیم. امروز یک "کاندیدای منفرد وابسته" و فردا شخصی دیگر و پس فردا لابد یک "خانه‌تیمی" می‌تراشند، تا اینطور القاء کنند که حزب ما در کار تدارک رودرروی مسلحانه است! تکرار می‌کنیم:

"این ردیلا نه‌ترین افتراست که دشمنان انقلاب به حزب ما وارد ساخته‌اند، حزبی که تمام سیاست و فعالیتش در جهت مخالف یک چنین افترائی بوده و هست و بدون تردید تا هنگامی که خط امام خمینی خط حرکت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باشد، خواهد بود."

رفقا! به همه کس بگوئید که ما افراد صاحب سلاح را عامل نفوذی تلقی می‌کنیم و این‌گونه پرونده‌سازیها به ما نمی‌چسبد. "ما خواستار فعالیت قانونی علنی در چارچوب حقوق و وظایف تصریح‌شده و تضمین شده به وسیله امام خمینی و قانون اساسی هستیم."

● مسئله احزاب سیاسی و قانونیت آنها

بیشاز پیش و با سرعت مسئله فعالیت قانونی احزاب و گروه های سیاسی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به مسئله‌گرهی زندگی اجتماعی در زمینه تامین آزادی‌ها بدل میشود. تحقق خواست

معنی اجتماع و نیاز بی‌تردید انقلاب، که در شعار "آزادی" همراهی "استقلال" در "جمهوری اسلامی" تجلی یافته بود، بر اثر حوادث مختلف و شرایط ویژه، مدتی به تاخیر افتاد. ولی اینک مدت‌هاست که دیگر تامین آرامش متکی بر قانون و احترام به شمارها و وعده‌ها و عملی ساختن قانون اساسی با حدیثی روزافزون در جامعه ما مطرح می‌شود. مسئله آزادی فعالیت احزاب طرفدار انقلاب، همانطور که برخی رویدادها و موضع‌گیریهای هفته‌گذشته نیز ثابت کرد، بصورت مسئله عمده در این زمینه در می‌آید. بویژه پس از تصویب آئین‌نامه مربوط به قانون احزاب، این پرسش دائمی و قابل فهم بر لب هر پرسندمای هست و در برابر شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و در مطبوعات و جلسات مطرح میشود. تکلیف احزاب سیاسی و قانون اساسی و شعارهای زمان انقلاب چه میشود؟ عکس العمل در برابر این پرسش که برای تکامل آینده جامعه انقلابی ایران حیاتی است، ابتدا "ساده و تک‌بعدی و یک‌دست نیست. در محافل مختلف حاکمیت و پیرامون آن، شما شاهد پاسخهای گوناگون و گاه بکلی مغایر هم، در این زمینه، میشوید. بگذریم از عمل عناصر ساواکی و افراد مشکوک و عواصیل نفوذی و وابستگان به رژیم گذشته، که در ایجاد جو کثونی بی‌تاثیر نبودمانند، جوی که در آن پاسخ درست و قانونی و انقلابی به این مسئله داده نشود و یا ترس و رعب در این زمینه موضع‌گیری شود. کارشکنی مخرب و شانناژ فلج‌کننده هم اینک از جوانب دیگری نیز انجام می‌گیرد. نخست فعالیت تب‌الود و خصمانه گروه‌هایی نظیر جناح ارتجاعی و امریکازده "انجمن حجتیه" که اینک دیگر تمام طیف مخالفان تسمیق مردمی انقلاب در زیر لوای آن گرد آمده‌اند،

سپس بقایای پرنفوذ نیرومند لبرالی، بویژه بخشی‌گنقاپ "اسلامی" نیز بر چهره خود زده‌اند، و بالاخره جنب و جوش کسور و مخسرب قشربون و انحصارطلبانی که در "نادانی" و "بی‌تجربگی" خویش، دارند ضربه‌های مهلک به اتحاد مردم انقلابی ما و هشاری بویبیداری آنها نسبت به حادترین و جدی‌ترین مسائل انقلاب می‌زنند. موج "توده‌ستیزی" هفته‌های اخیر، بدون هیچ مناسبتی و تنها بخاطر آنکه اینگونه محافل و انجمن‌ها نزدیکی لحظه‌تصمیم را حس میکنند و جامعه را تشنه تامین آزادیها و تعیین تکلیف فعالیت‌های قانونی سیاسی می‌بینند، تمعدا بالا برده میشود. در مقابل، نیروهای اصل خط امامی، که قاعدتا باید پیش از پیش درک کنند که هدف اینگونه محافل نه‌تنها توده‌ها، بلکه همچنین خط امامی‌های راستین و نابود کردن این هر دو جریان است، گاه آشکارتر و قاطعتر، ولی چه بسا با تردید و رعب، موضع‌گیریهای می‌کنند.

بدینسان، عرصه آزادیهای دموکراتیک و بطور مشخص آزادی فعالیت سیاسی احزاب انقلابی دگراندیش پیش از پیش به صحنه، هم‌اوردی خط ضد امپریالیستی و مردمی امام و پیروان صدیقش با انواع مخالفان آگاه و ناآگاه بدل می‌شود. جا دارد که رفقا دانشمویا دقت موضع‌گیریهای را که در این زمینه توسط مسئولان و شخصیت‌های قوای مقتنه و اجرائیه و قضائیه انجام می‌گیرد و در همین هفته‌گذشته نمونه‌های مختلف آن را در مطبوعات و در سخنرانی‌ها در تهرسان و شهرستانها دیده و شنیده‌ایم، دنبال کنند، تا با نبرد جسندی و سرنوشت سازی که سیمای آینده جمهوری اسلامی ایران راتا حدود زیادی رقم خواهد زد، آشنا شوند.

زندگی ثابت می‌کند که در حال حاضر رسمیت و قانونیت و فعالیت آزاد سیاسی احزاب طرفدار سوسیالیسم علمی و جانبدار انقلاب و در درجه اول حزب توده ایران، به ملاک واقعی صحت و پیگیری و اصالت موضع‌گیریهای عام و کلی در این زمینه بدل شده است. درست در همین جاست که معلوم میشود که آیا مکتب و منش امام صادق محترم شمرده می‌شود و یا عدم تحمل دگر اندیشان دیده‌ها را کور می‌کند؟ درست در همین جاست که صلاحیت و کاربرد قانون اساسی معلوم می‌شود و جامعه انقلابی ما با تمام مردم‌ریسگ نظام ستشاهی و دیکتاتوری سیاه آن زمان وداع می‌گوید. زندگی این واقعت گفته شده در نامه "سرگشاده‌اخیر کمیته مرکزی حزب ما را ثابت می‌کند که:

"مسئله ناتوان ساختن و درهم شکستن و نابودی حزب توده ایران به یکی از عمده‌ترین رهنمودهای امپریالیسم امریکا به‌دست یاران خود و به یکی از عمده‌ترین مواد برنامه عمل روزانه همه‌دار و دسته‌های ضد انقلابی ساواکی سلطنت طلب لیبرال توطئه‌گر و چپ‌رو مبدل گردید."

شکفت‌انگیز خواهد بود، اگر پیروان واقعی خط امام و انقلابیون واقعی این مسئله را نبینند و در دام افتند و برخی همسرانی‌ها و هم‌اوائی‌ها آنها را بخود نیاورد. نه‌تنها شکفت‌انگیز، بلکه هلاکت‌بار خواهد بود، زیرا که دشمن، با این توطئه، راه را برای نابودی خود پیروان راستین خط امام خمینی باز می‌کند. فاجعه‌انگیز خواهد بود، اگر عناصر صدیق انقلابی و نهادهای انقلابی و شخصیت‌های مسئول در زیر جو فشار و شانناژ خرد شوند و به نخستین گام "رضایت"

دهند، زیرا جلوگیری از فعالیت رسمی حزب ما و به اصطلاح حذف آن، زمینه‌ساز جلوگیری از هرگونه واقع‌بینی و هشاری، هر نسوع موضع‌گیری به‌سود محرومان جامعه، هر نوع اقدام قاطع و ریشمای علیه امپریالیسم، و بسخن‌دیگر، ضربت برگیار بر خط امام خواهد بود. بیان شاعرانه تنها یک تعبیر شاعرانه، بلکه بیان یک حقیقت بارز است:

"دوستان گوش کنید. مرگ من مرگ شماست / مگذارید شما را بکشند / مگذارید که من بار دگر / در شما کشته شوم."

حزب ما برپا به امتداد به موضع‌گیری امام خمینی رهبرانقلاب در این زمینه، فعالیت آشکار و علنی خود را آغاز کرده و بیش از سه سال است سیاست همکاری همه‌جانبه و درازمدت با مبارزان انقلابی مذهبی را با پیگیری و صداقت اجرا میکند. ما به این سیاست اصولی خود، علیرغم برخی ناآگاهی‌ها و اشتباهات باران گمراه انقلاب ادامه خواهیم داد و آنها را از اقتادن در دام برحذر خواهیم داشت. مفید است که رفقا برای آشنائی بیشتر با مداخل و برای شنای بخشهای روشنگرانه خویش بار دیگر با دقت نامه سرگشاده کمیته مرکزی مورخ ۶۱/۲/۲۸ و آخرین پرسش و پاسخ‌های رفیق کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب، را در این زمینه مطالعه کنند.

● جهان

● سیاست امریکا در خاور نزدیک و میانه

شولتز وزیر امور خارجه تازه امریکا، در جلسهای که کمیسیون خارجه مجلس سنای امریکا برای تصویب انتصاب او بعنوان جانشین هیک تشکیل داده بود، برنامه‌های را که او قصد دارد هنگام تصدی وزارت امور خارجه بمرحله اجرا درآورد، توضیح داد. عنصر اصلی در این برنامه آنست که دولت امریکا باید برای حفظ "منافع حیاتی اش در سراسر جهان، از قدرت نظامی خود با جسارت بیشتری استفاده کند.

امپریالیسم امریکا در تمام دوران زندگی ننگینش از همین شیوه استفاده کرده است، و آنچه را که میتوان بعنوان ویژگی حکومت ریگان نام برد، تکیه بر روی "جسارت بیشتری" است که در آن، خطت ماجراجویانه سیاست دولت کنونی امریکا نهفته است. روشن است که هر کجا "منافع حیاتی" بیشتر باشد، "جسارت" نیز طبقا به همان اندازه باید بیشتر باشد.

امپریالیسم امریکا خاور نزدیک و میانه را بدلیل نفت و هم چنین بعطت موقعیت استراتژیکی اش، که در مرز سه قاره اروپا، آسیا و افریقا و مرز دو جهان سرمایه‌داری و سوسیالیسم قرار دارد، مهمترین منطقه "منافع حیاتی" خود می‌داند. این "منافع حیاتی" اکنون در اثر خیزش انقلابی خلقهای منطقه جدا بمخاطره افتاده است. این خطر برای امپریالیسم امریکا بویژه از آن جهت بزرگتر و عمیقتر است، که به دلیل پشتیبانی دنیای سوسیالیسم از این جنبشهای انقلابی، دنیای امپریالیسم هر قدر هم "جسارت بیشتری" نشان می‌دهد، قادر به حفظ "منافع حیاتی" خود نیست. مواضع امپریالیسم امریکا در منطقه یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد. به

دنیال انقلاب افغانستان، انقلاب ایران روی داد و اکنون امواج انقلاب در سراسر منطقه گسترش می یابد. همزمان با این گسترش عنصر ماجراجویی نیز در سیاست خارجی آمریکا در قبال منطقه رشد می کند. جواز حمله اسرائیل به لبنان و تهیه مقدمات مداخله نظامی در منطقه بعنوان "حفظ امنیت" کشورهای دوست آمریکا، نشانه ای از تقویت این روند در سیاست خارجی امریکاست، سیاستی که بی دورنماست، اما می تواند مصائب زیادی برای خلقهای منطقه و بیش از همه برای مردم ما فراهم کند.

آقای رجائی خراسانی نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد توصیف جالبی از سیاست خارجی آمریکا نموده است. او می گوید:

"نگته مهمی که ما باید در نظر داشته باشیم اینست که آمریکا با روشهای اصالت عملی "پراگماتیک" نه با روشهایی که شناخت اصیل و نظری بر اساس ارزشهای درست از مسئله داشته باشند، با روشهای مقطعی، سعی می کند با تمام مسائلی برخورد کند. این برخورد باعث شده که الان آمریکا نتواند اصلا حرکت بعد پیش چپیت" (نقل از اطلاعات، ۶۱/۴/۲۶).

واقعا هم چنین است. و این از ماهیت امپریالیسم در مرحله اکتونی آن سرچشمه می گیرد. یک نظام اجتناعی رو بزوال، که خود به فردایش آمودوار نیست، نه تنها در سیاست خارجی، بلکه در هیچ یک از زمینه های اجتماعی نیز نمی تواند یک سیاست درازمدت، غیرمقطعی و بر اساس ارزشهای درست در پیش گیرد. روشهای مقطعی پراگماتیک در سیاست خارجی آمریکا، با آمدن هر گروهی بر سر حکومت

بصورت "دکترین" های جورواجور فلان رئیس جمهور یا فلان وزیر امور خارجه، یا به صحنه بین المللی می گذارد، و تمام این "دکترین ها" نیز یکی پس از دیگری بشکست می انجامد، اما در عین حال قاجم هائی نظیر جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ های اسرائیل و... بجای می گذارد. سیاست خارجی آمریکا در مقطع کنونی ریسک های حساب نشده و ماجراجوییهای خطرناک است، که ما در لبنان شاهد آن هستیم و در خلیج فارس باید در انتظار آن باشیم.

### ● بن بست لبنان

تجاوز به لبنان، اسرائیل و حامیان امریکایش را در یک بن بست واقعی قرار داده است. تلفات ارتش اسرائیل در این جنگ بسیار زیادتر از پیش بینی های آنان بود. دنیاره این تلفات ارقام مختلفی ذکر شده است. روزنامه کیهان (۶۱/۴/۲۶) به نقل از گزارش معاون وزیر دفاع اسرائیل به کمیته خارجی و امنیت پارلمان اسرائیل می نویسد:

"تلفات نیروهای صهیونیستی از آغاز تجاوز به لبنان ۳۷۷۴ کشته و ۱۲۳۹ زخمی بوده است."

اگر این ارقام را حتی به نصف و ثلث تقلیل دهیم و نسبت آن را با جمعیت اسرائیل در نظر بگیریم، می بینیم که درصد بسیار بالائی را تشکیل می دهد. حمله نیروهای اسرائیلی بمواضع مبارزان فلسطینی و لبنانی در غرب لبنان، اگر مستلزم تحمل تلفات بیشتری نباشد، بی تردید کمترین نیست. از سوی دیگر، هر روز که می گذرد

چه در داخل خود اسرائیل و آمریکا و چه در خارج از آن نیروهای تازه ای بمبارزه علیه تجاوز اسرائیل می پیوندند. در داخل اسرائیل حزب کمونیست اسرائیل در راس این مبارزه جای گرفته است و تودم های وسیعی از مردم را به مقاومت در برابر سیاست تجاوزگارانسه دولت صهیونیستی بگن برانگیخته است. در آمریکا نیز بسیاری از روزنامه ها و مجلات صراحتا "متذکر می شوند که حمله اسرائیل به لبنان نه تنها موقعیت خود این دولت صهیونیستی را در جهان متزلزل کرده است، بلکه بر آمریکا نیز، بعنوان حامی اصلی اسرائیل، زیانهای جبران ناپذیری وارد کرده است.

در این شرایط بود که ریگان، بنوشته نهروویک، تصمیم گرفت که برای نجات دادن اسرائیل از بن بست، سربازان امریکائی را به لبنان گسیل دارد. این پیشنهاد، بنوشته همان مجله، از سوی وزارت دفاع آمریکا داده شده بود. سربازان امریکائی بایستی به عنوان "نیروی پاسدار صلح" به دعوت دولت لبنان وارد آن کشور شوند و نیروهای فلسطینی را از غرب بیرون خارج کرده، با هواپیماها یا کشتیهائی که عربستان سعودی پول کرایه آن را پرداخت خواهد کرد به نقطه دیگری از جهان عرب منتقل کنند.

ولی توطئه نگرفت. نخست به آن دلیل که مقاومت فلسطین و نیروهای میهن دوست لبنانی و سوری ها زیر بار چنین نقل وانتقالی نرفتند. دوم هشدار دولت شوروی از زبان لئونید برژنف، به امریکائیکها فهماند که "جسارت بیشترشان" در این منطقه سودآور نیست. اکنون باید گفت که سیاست ماجراجویانه آمریکا در لبنان با شکست روبرو شده است، شکستی که دهها هزار کشته، صدها هزار

آواره و دهها شهر و روستای ویران بدنیال خود بجای گذاشته است. در تحلیل علل این شکست، قبل از هر چیز باید به سیاست درست سازمان آزادیبخش فلسطین، نیروهای میهن دوست لبنان و سوریه و یشتیبانی قاطع اتحاد شوروی از مبارزه عادلانه آنها در برابر صهیونیسم و امپریالیسم نام برد.

از همان نخستین روزی که اسرائیل حمله خود را به لبنان آغاز نمود، تبلیغات امپریالیستی تمام نیروی خود را بکار بست تا ثابت کند که اتحاد شوروی نه کاری برای سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه انجام داده است و نه می تواند انجام دهد. سلاحهائی که اتحاد شوروی به سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه داده است در برابر سلاحهای امریکائی که اسرائیلیها آن را بکار می برند، هیچ کارائی ندارند و هواپیماهای امریکائی اسرائیل هواپیماهای سوری را مثل تگرگ به زمین می ریزند! متأسفانه در کشور ما نیز حتی برخی از بلندپایگان در دام این تبلیغات افتادند و همان حرفها را تکرار کردند. امروز که آمار تلفات جانی و فنی ارتش اسرائیل منتشر شده (بنوشته روزنامه کیهان: ۱۲۰ تانک و زره پوش، چندسکوی پرناب موشک، ۶۷ فروزند هواپیما اف ۱۶ و اف ۱۵) و ارتش اسرائیل در برابر بیروت بفکر ایجاد مواضع زمستانی افتاده است، باید پرسید: چه کشور دیگری جز اتحاد شوروی، سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه را به سلاحهائی قادر به مقاومت در برابر ارتش اسرائیل (یکی از مجهزترین و ورزیده ترین ارتشهای جهان سرمایه داری) مجهز نموده است؟

از نظر سیاسی نیز تجاوز اسرائیل به لبنان با شکست کامل

روبروشد. و رژیم صهیونیستی اسرائیل در انزوا قرار گرفته است. در این مورد بویژه باید از نقش کشورهای غیرمتعهد در مبارزه به خاطر افشای چهره تجاوزکارانه اسرائیل و آمریکا نام برد. کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در نیکوزیا، که وزیر امور خارجه کشور ما نیز در آن شرکت کرد، این تجاوز را بشدت محکوم نمود و از تمام کشورهای های عضو جنبش عدم تعهد خواست، که با تمام امکانات خود به قربانیان تجاوز کمک کنند. حمله اسرائیل به لبنان حلقه ای از حلقه های دیگر سیاست ماجراجویانه آمریکا در خاور نزدیک و میانه است، که مداخله نظامی در خلیج فارس به عنوان "حفظ امنیت کشورهای دوست" حلقه دیگر آنست.